چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۷۲
irannewspaper irannewspapper

عکس: علی حسن‌پور/ایران

**حسین نورانی نژاد**، قائم مقام حزب اصلاح طلب اتحاد ملت و **علیرضا خجسته پور**، قائم مقام حزب اصولگرای جامعه اسلامی مهندسین از انتخابات تناسبی دفاع کردند

# عبور از فردمحوری به حزب‌گرایی و پاسخگویی

میزگرد

الهام یوسفی
گروه سیاسی

**انتخابات سال آینده شوراهای اسلامی شهر و روستا، فقط در تهران به صورت تناسبی برگزار می‌شود. یعنی هر حزب یا هر فهرستی بنا به سهمش از سبد آرایی که مردم در انتخابات در صندوق‌ها انداختند، سهمی در کرسی‌های نمایندگی مردم در شورای اسلامی خواهد داشت. آیا این سازوکار قابل تسری به بقیه انتخابات‌ها هم هست؟ در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ «ایران» در میزگردی با حضور علیرضا خجسته‌پور، قائم مقام دبیرکل حزب جامعه اسلامی مهندسین و حسین نورانی‌نژاد، قائم مقام دبیرکل و سخنگوی حزب اتحاد ملت ابعاد و پیامدهای این تغییر را بررسی کرد. دو دیدگاه متفاوت اما مکمل درباره چگونگی افزایش مشارکت، تقویت احزاب و بازسازی اعتماد عمومی در نهاد انتخابات در این نشست مطرح شد؛ دیدگاه‌هایی که نشان می‌دهد نظام تناسبی نه صرفاً یک اصلاح فنی در قانون، بلکه تلاشی برای بازتعریف رابطه میان جامعه و سیاست است. خجسته‌پور با تأکید بر اینکه شفاف‌سازی درباره هدف تغییر قانون، نخستین شرط موفقیت است، گفت که باید برای مردم روشن شود که حاکمیت با این تغییر به‌دنبال افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی است. او در عین حال بر ضرورت بازتعریف رابطه احزاب و حاکمیت تأکید کرد و گفت احزاب باید فعال‌تر، مسئول‌تر و پاسخگوتر شوند؛ چراکه در نظام تناسبی دیگر نمی‌توان بدون تعهد حزبی و برنامه مشخص وارد عرصه قدرت شد.**

**نورانی‌نژاد هم با نگاهی ساختاری‌تر، انتخابات تناسبی را گامی برای بازگرداندن نمایندگی سیاسی به اقشار حذف‌شده دانست و تأکید کرد که پیش‌شرط تحقق آن، گشودگی بیشتر در تأیید صلاحیت‌ها و امکان فعالیت آزادانه احزاب است.**

**او معتقد است تا زمانی که مشارکت عمومی و احساس نمایندگی در جامعه احیا نشود، حتی بهترین نظام انتخاباتی هم نمی‌تواند شکاف «خودی و غیرخودی» را کاهش دهد. هر دو کارشناس در عین حال تأکید کردند که نظام تناسبی می‌تواند زمینه‌ای برای حضور نیروهای تازه‌نفس، نخبگان جوان و رقابت‌های درون‌حزبی فراهم آورد؛ اما برای ثمربخشی، نیازمند اصلاح فرهنگ سیاسی، کادرسازی و اعتمادسازی میان مردم و حاکمیت است.**

**به‌عنوان چهره‌های جوان دو جریان سیاسی کشور، نظام تناسبی را چگونه تعریف می‌کنید؟ آیا آن را ابزاری برای عدالت انتخاباتی می‌دانید یا فرصتی برای قدرت‌یابی احزاب؟ بزرگ‌ترین ضعف نظام فعلی انتخابات چیست که به نظر شما مدل تناسبی می‌تواند آن را اصلاح کند؟**

**نورانی‌نژاد:** همه مواردی که شما اشاره کردید در بحث انتخابات تناسبی می‌تواند بهبود یابد. یکی از نقایص نظام انتخاباتی ما این بود که در شرایطی که عملاً چندحزبی و چندجریانی بودیم، انتخابات به شیوه اکثریتی برگزار می‌شد. در حالی که نظام اکثریتی بیشتر مناسب جوامعی با ساختار دوحزبی است، مانند آمریکا؛ جایی که یک جریان پیروز می‌شود و جریان دیگر شکست می‌خورد و در دوره بعدی امکان رقابت دوباره دارد. اما در نظام‌های چندحزبی که تکثرآرا وجود دارد، دموکراسی از طریق نظام تناسبی بهتر تأمین می‌شود. هدف دموکراسی این است که جریان‌های فکری، سیاسی و عقیدتی جامعه بتوانند نمایندگی شوند و در عرصه عمومی صدایی داشته باشند. در حالی‌که وقتی در یک انتخابات، مثلاً ۳۰ کرسی به یک جریان می‌رسد و جریان‌های دیگر هیچ کرسی ندارند، نمایندگی واقعی جامعه از بین می‌رود. ممکن است آن جریان برنده، اکثریت مطلق جامعه نباشد بلکه صرفاً نسبت به رقبا رأی بیشتری آورده باشد. این وضعیت باعث تشدید دوقطبی‌ها و افزایش نزاع‌های سیاسی می‌شود و در نهایت مشارکت عمومی در انتخابات را کاهش می‌دهد. در کشورهایی که انتخابات تناسبی دارند، میزان مشارکت بالاتر است؛ چون حتی اقلیت‌ها احساس می‌کنند رأی‌شان تأثیر دارد و برای کسب همان یک یا دو کرسی تلاش می‌کنند. برای جامعه‌ای مانند ایران که هنوز سازمان‌یابی سیاسی به معنای دقیق کلمه شکل نگرفته، انتخابات تناسبی می‌تواند زمینه‌ساز رشد احزاب و نهادهای مدنی باشد. در این نظام، پاسخگویی سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا احزاب مسئول معرفی نامزدها هستند و ناگزیر باید در برابر عملکرد آنان پاسخگو باشند. این نظام، رفتارهای شخص‌محور، اشرافی و غیرپاسخگو را نیز کاهش می‌دهد. ما یکی از گرفتاری‌هایمان، شخصیت‌های خاص در سیاست هستند. در این نوع انتخابات دیگر شاهد چهره‌هایی نخواهیم بود که بگویند «من را به اجبار نامزد کردند» یا یک روز در یک فهرست انتخاباتی هستند و روز دیگر در فهرستی متفاوت.

> **نورانی‌نژاد: مسیر انتخاب فرد در نظام تناسبی، خودبه‌خود مانع از آن می‌شود که از حربه‌های رایج گذشته استفاده کند و بگوید «من ربطی به حزب نداشتم» یا «حزب خودش سراغ من آمد» در این نظام، میثاق‌نامه حزبی وجود دارد و فرد با امضای آن رسماً تعهد می‌دهد**

بنابراین، انتخابات تناسبی می‌تواند به تقویت تشکل‌یابی، شفافیت سیاسی، افزایش رغبت مردم به مشارکت، تحقق عدالت انتخاباتی و ارتقای حس نمایندگی واقعی در جامعه کمک کند. البته باید توجه داشت که انتخابات تناسبی تنها بخشی از مسأله را حل می‌کند. اگر احزاب امکان فعالیت نداشته باشند، یا در تأیید صلاحیت‌ها سلیقه‌ای عمل شود، هدف اصلی این نظام که همان نمایندگی واقعی اقشار مختلف جامعه است، محقق نخواهد شد. با این حال، این گام نخست تجربه‌ای مهم است و هرچند در آغاز با کاستی‌هایی همراه خواهد بود، اما مسیر درستی را آغاز کرده‌ایم. البته ما مطلق تناسبی هم نخواهیم بود. سه مدل داریم: اکثریتی، تناسبی و مدل تلفیقی یا مختلف. افراد هم می‌توانند یک لیست جداگانه عملاً منفردین داشته باشند.

**خجسته‌پور:** وقتی از نظام انتخابات تناسبی صحبت می‌کنیم، در واقع به چند موضوع اساسی اشاره داریم. نخست، حرکت از فردمحوری به سمت ساختارمحوری و حزب‌گرایی است. در نظام اکثریتی، معمولاً افرادی که به کرسی می‌رسند، ارتباط خود را با گروه‌ها و فهرست‌هایی که از آنها حمایت کرده‌اند، قطع می‌کنند و حتی برخی از آنان افتخار می‌کنند که حزبی نیستند. در نتیجه، به هیچ جریان یا پایگاه اجتماعی پاسخگو نیستند و مردم نیز نمی‌دانند در صورت نارضایتی از عملکرد یک منتخب، چه کسانی را باید مورد خطاب قرار دهند. اما در نظام تناسبی، افراد به نمایندگی از یک حزب یا جریان وارد شورا می‌شوند بنابراین، پاسخگویی سیاسی شکل می‌گیرد. نکته دیگر، عدالت در توزیع آراست. در انتخابات تناسبی، هر حزب یا جریان سیاسی به اندازه وزن اجتماعی و رأی خود صاحب کرسی می‌شود؛ در حالی‌که در نظام‌های اکثریتی چنین نیست. در کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و هند، نظام اکثریتی حاکم است و معمولاً به نظام دوحزبی ختم می‌شود. اما در کشورهایی مانند سوئد، نروژ، هلند، آفریقای جنوبی و آلمان، نظام تناسبی یا ترکیبی اجرا می‌شود. به‌ویژه آلمان یکی از موفق‌ترین الگوهای نظام انتخاباتی ترکیبی-تناسبی را دارد که در آن، چندصدایی و مشارکت احزاب مختلف تقویت می‌شود. نتیجه چنین نظامی، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و وفاق سیاسی در نهادهای منتخب است. نهادی مانند شورای شهر یا مجلس، وقتی برآمده از مجموعه‌ای از احزاب و جریان‌ها باشد، صدایی متکثر و فراگیر به نمایندگی از کل جامعه خواهد داشت. این همان ارزشی است که در اندیشه انقلاب اسلامی نیز وجود داشته است؛ جایی که مردم به‌عنوان رکن اساسی نظام شناخته می‌شوند و حضور و نقش آنان در تصمیم‌سازی‌ها، محور اصلی جمهوریت و اسلامیت نظام به‌شمار می‌آید. اگر قرار است مردم در حاکمیت نقش داشته باشند، باید نگاه ما به نقش مردم در حکمرانی افزایش پیدا کند. یکی از راه‌های افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت مردم در انتخابات است. حرف درستی است؛ برخی کشورها برایشان مهم نیست چه تعداد در انتخابات شرکت می‌کنند، اما ما همیشه گفته‌ایم و بر آن تأکید کرده‌ایم که حضور مردم در انتخابات برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت حیاتی دارد. در چنین شرایطی، اگر بخواهیم مشارکت را افزایش دهیم، یکی از نمونه‌های موفق، همین نظام انتخابات تناسبی است که کشورهای یادشده تجربه موفقی از آن دارند. انتخابات تناسبی اولین گام در راستای عدالت اجتماعی و مشارکت حداکثری است.

**اما این مسأله تنها یک بخش از ماجراست؛ بخش مهم دیگر به ساختار و سازوکار احزاب سیاسی در ایران برمی‌گردد. با توجه به ضعف ساختار حزبی در ایران، آیا اجرای انتخابات تناسبی در عمل ممکن است؟**

که ما احزاب قوی نداریم. دلایل مختلفی وجود دارد که منجر به تضعیف یا ضعیف نگه داشتن احزاب شده است. یکی از دلایل، این بوده که در فرآیند انتخابات که برهه کشاکش سیاست است احزاب جایگاه روشنی نداشته‌اند. یکی از کارهایی که می‌تواند به احزاب وزن بدهد، همین تناسبی کردن انتخابات است. البته دلایل متعددی داریم: دلایل فرهنگی و تاریخی که منجر به نگرش منفی نسبت به کارهای جمعی، تشکیلاتی و حزبی شده‌اند. بزرگان ما معمولاً سعی کرده‌اند بگویند «ما حزبی نیستیم». در حالی‌که به نظر می‌رسد امروز، هم از جریان اصلاح‌طلب و هم از جریان اصولگرا، هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که باید نظام حزبی تقویت شود تا کارآمدی، شفافیت و حکمرانی خوب افزایش یابد. یعنی باید یک گام به سمت حکمرانی خوب برداریم. این گام، به تقویت احزاب کمک می‌کند. اما دلایل دیگری نیز در تضعیف احزاب نقش داشته‌اند؛ از جمله بی‌توجهی نخبگان و گفتمان رسمی منفی نسبت به تحزب. یکی از انگیزه‌های افراد برای فعالیت سیاسی این است که در جریان‌های حامی‌پروری سریع‌تر رشد می‌کنند تا از طریق احزاب. یعنی فرد ترجیح می‌دهد به فلان شخص نزدیک شود تا اینکه در یک حزب به‌تدریج رشد کند. این مسأله موجب شده فرهنگ فعالیت تشکیلاتی ضعیف بماند. تناسبی شدن انتخابات اگر با سایر اجزای لازم همراه شود، می‌تواند به شایسته‌سالاری بیشتر نیز منجر شود. زیرا در این صورت، احزاب مجبور می‌شوند در معرفی افراد دقت کنند، چون باید پاسخگوی عملکرد آنان باشند. دیگر یک فرد نیست که بتواند از زیر بار پاسخگویی شانه خالی کند؛ بلکه حزب باید پاسخ دهد. این نوع انتخابات به احزاب نقش می‌دهد. ببینید، قانون انتخابات و قانون احزاب باید اصلاح شود. این گام، خوب بوده اما کافی نیست. هر دو قانون باید به نفع مشارکت، تقویت نقش احزاب و مشارکت دادن احزاب در اداره کشور تغییر کنند. در آن صورت، نخبگان برای اثرگذاری بیشتر، تمایل بیشتری برای ورود به احزاب پیدا می‌کنند. من دلایل مختلفی برای ضعف احزاب در ایران ذکر کرده‌ام که یکی از آنها به همین مسأله انتخابات بازمی‌گردد. تناسبی شدن انتخابات می‌تواند تا حدی این نقطه‌ضعف را کاهش دهد.

**آیا احزاب می‌توانند در این دوره از انتخابات یک فهرست واحد معرفی کنند؟ و انتخابات تناسبی تا چه اندازه می‌تواند در تغییر قانون انتخابات مؤثر باشد؟ آیا احزاب توانایی اجرایی کردن این قانون تناسبی یا فهرستی را دارند؟**

**خجسته‌پور:** دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین، جناب آقای باهنر، که سیاستمداری کارکشته و باتجربه هستند و سال‌ها ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشتند، جمله‌ای دارند که می‌گویند «من در غیبت چند حزب قدرتمندِ چهارچوب‌مدار، برای آینده مردم‌سالاری دینی در کشور بیمناک هستم.» این جمله بسیار دقیق است. قانون انتخابات تناسبی در واقع درصدد است همین نقش را برای احزاب تعریف کند. البته این یک چرخه است: ما زمانی حزب قدرتمند خواهیم داشت که به آن نقش بدهیم و زمانی می‌توانیم نقش بدهیم که قانون اجازه دهد. اگر نقش نداشته باشند، احزاب فقط نزدیک انتخابات دور هم جمع می‌شوند و نشست‌های موقتی سیاسی برگزار می‌کنند. برخی از آنان بعداً هم اعلام می‌کنند که افتخار می‌کنند حزبی نیستند اما وقتی به احزاب نقش داده شود، خود را تقویت می‌کنند و قوانین دیگر نیز باید به آنها کمک کند تا این نقش را بهتر ایفا کنند. بنابراین نمی‌توان گفت ابتدا باید احزاب قوی شوند تا بعد سراغ انتخابات تناسبی برویم، بلکه این دو باید هم‌زمان تقویت شوند. اگر هر کدام متوقف شود، دیگری نیز رشد نمی‌کند. یکی از دلایل سرخوردگی احزاب این است که صبح پس از انتخابات چشم باز می‌کنند و می‌بینند هیچ نقشی در نهاد منتخب ندارند؛ یعنی نهاد منتخب کاملاً در اختیار یک جریان قرار گرفته است. این قانون جدید قرار است جلوی چنین وضعیتی را بگیرد. شاه‌بیت این قانون این است که «برنده، قرار نیست همه‌چیز را ببرد»، بلکه به اندازه رأی خود صاحب کرسی می‌شود. یعنی اگر یک جریان دوسوم رأی بیاورد، دیگر ۲۱ کرسی شورا را یک‌جا تصاحب نمی‌کند، بلکه به تناسب رأی خود کرسی‌ها را به‌دست می‌آورد. این مسأله می‌تواند به تقویت احزاب و افزایش عدالت سیاسی کمک کند.

**برخی می‌گویند انتخابات تناسبی باعث می‌شود شورا چندپاره و تصمیم‌گیری دشوار شود. آیا این تنوع سیاسی تهدید است یا نشانه بلوغ دموکراتیک؟**

**خجسته‌پور:** ما نمی‌توانیم به‌صورت مطلق از این قانون دفاع کنیم و ممکن است در آینده ایراداتی پدید آید. به همین دلیل، قانونگذار فعلاً اعلام کرده که فقط در تهران، برای انتخابات شورای هفتم اجرا شود. وقتی به مفاد قانون نگاه می‌کنیم، اتفاقاً بندهایی مانند «اشتراک صفر» به کاهش سهم‌خواهی کمک می‌کند. یعنی کسی که در لیست «الف» است، دیگر نمی‌تواند در لیست «ب» قرار گیرد. این مسأله باعث می‌شود ائتلاف‌ها بر اساس وزن احزاب شکل بگیرند، نه روابط شخصی و غیررسمی. در گذشته، افراد بدون عضویت رسمی در حزب، با استفاده از رسانه، شبکه اجتماعی یا شهرت خود فهرست ارائه می‌دادند و رأی می‌آوردند، بدون اینکه پاسخگو باشند. اما در قانون تناسبی، حضور در لیست مستلزم امضا، تأیید رسمی و معرفی از سوی دبیرکل حزب است.

> **خجسته‌پور: واقعیت این است که ما احزاب قوی نداریم. دلایل مختلفی وجود دارد که منجر به تضعیف یا ضعیف نگه داشتن احزاب شده است. یکی از دلایل، این بوده که در فرآیند انتخابات که برهه کشاکش سیاست است احزاب جایگاه روشنی نداشته‌اند. یکی از کارهایی که می‌تواند به احزاب وزن بدهد، همین تناسبی کردن انتخابات است**

**نورانی‌نژاد:** تحزب در انتخابات، افراد را محدود نمی‌کند، بلکه آنها را برای مخاطب شفاف می‌سازد. رأی‌دهنده می‌داند فردِ موردنظرش با چه شناسنامه‌ای وارد عرصه شده و بر اساس همان شناسنامه از او پاسخ می‌خواهد. دیگر دوران شعارهای مبهم از قبیل «نه چپ، نه راست، نه حزبی» باید تمام شود؛ این نه پسندیده است و نه قابل دفاع. یکی از اقدامات مثبتی که در دولت انجام می‌شود، به‌ویژه با پیگیری آقای زینی‌وند، حرکت به سمت ساماندهی و ادغام احزاب است تا از وضعیت فعلی که بیش از صد حزب کوچک وجود دارد، خارج شویم. وقتی نظام انتخاباتی حرفه‌ای و تناسبی شود، خودبه‌خود به ادغام و شفافیت و قدرت‌یابی احزاب کمک می‌کند. اصل این کار بسیار ضروری بود؛ هرچند دیر، اما بالاخره انجام شد. ای کاش از انتخابات مجلس شروع می‌شد، نه شوراها. این نظام پیچیدگی‌هایی دارد که باید برای جامعه به‌خوبی تبیین شود. دولت و حاکمیت باید وقت بگذارند و آن را توضیح دهند. نباید تصور کرد که با اجرای تناسبی، همه مشکلات حل می‌شود؛ این نظام انتخاباتی معجزه نمی‌کند، بلکه آغاز یک روند است. باید اجازه دهیم جریان‌های مختلف حضور پیدا کنند. بعد از انتخابات نیز احزاب باید فعال بمانند، نمایندگان خود را پشتیبانی کنند، برایشان ایده، کمیسیون و کمیته فراهم کنند و از آنها پاسخ بخواهند. این یعنی توسعه سیاسی، شفافیت و افزایش پاسخگویی؛ گامی رو به جلو برای اینکه جایگاه هر فرد و میزان مسئولیتش مشخص باشد و بدانیم در قبال هر تصمیم، از چه کسی باید پرسش کرد.

**اشاره کردید به موضوع پاسخگو کردن افراد. فرض کنید یک حزب سه کرسی در شورا یا مجلس دارد؛ در نظام تناسبی، این حزب چگونه می‌تواند فرد منتخب خود را نسبت به عملکردش پاسخگو کند؟ دیگر نمی‌شود گفت «من حزبی نیستم»، زیرا فرد با سازوکار حزبی وارد لیست شده و حالا کرسی گرفته است. این پاسخگویی در ساختار تناسبی چگونه ممکن است؟**

**نورانی‌نژاد:** مسیر انتخاب فرد در نظام تناسبی، خودبه‌خود مانع از آن می‌شود که از حربه‌های رایج گذشته استفاده کند و بگوید «من ربطی به حزب نداشتم» یا «حزب خودش سراغ من آمد». در این نظام، میثاق‌نامه حزبی وجود دارد و فرد با امضای آن رسماً تعهد می‌دهد. بنابراین مشخص است که به چه جریان فکری تعلق دارد. اما نکته دیگری هم هست؛ ائتلاف‌ها در نظام تناسبی، بیشتر پس از انتخابات شکل می‌گیرند تا پیش از آن. یعنی وقتی نهاد منتخب (شورا یا مجلس) تشکیل شد، نیروهای سیاسی برای همکاری و یافتن نقاط اشتراک تلاش می‌کنند. این اتفاق باعث می‌شود از دوقطبی‌های تند کاسته شود و همکاری‌ها افزایش یابد. در نتیجه، شورای شهر یا مجلس کارآمدتر عمل خواهد کرد.

**احزاب برای اینکه بتوانند از انتخابات تناسبی بیشترین بهره را ببرند، باید چه اقداماتی انجام دهند؟**

**خجسته‌پور:** از نگاه من، اولین گام شفاف شدن فضا برای عموم مردم است؛ باید درباره نظام تناسبی در رسانه‌ها بحث و مزایا و نقدهای آن مطرح شود تا جامعه درک روشنی از هدف حاکمیت در این زمینه پیدا کند. هدف بزرگ، نقش دادن بیشتر به مردم و افزایش مشارکت است که در نهایت به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. نکته دوم، تقویت احزاب است. از امروز به بعد باید رابطه میان احزاب و حاکمیت بهبود پیدا کند. این نقش را هم احزاب باید ایفا کنند و هم در ساختار حاکمیت باید پذیرش و کشش لازم وجود داشته باشد. من می‌دانم که برخی احزاب، از جمله حزب «جامعه اسلامی مهندسین» با محوریت آقای دکتر قادری، از طراحان این ایده بودند و حتی در شورای مرکزی حزب، حدود یک‌سال و نیم پیش درباره نظام تناسبی بحث داشتند. اما بسیاری از احزاب دیگر هنوز در این باره گفت‌وگویی نداشته‌اند. احزاب باید در این زمینه فعال‌تر شوند و هم‌زمان روی سازوکارهای پاسخگو کردن اعضای خود تمرکز کنند. حداقل فایده این نظام این است که فردی که پس از ورود به شورا یا مجلس دیگر پاسخگو نیست، در دوره بعدی نمی‌تواند در لیست آن حزب قرار گیرد. وقتی حزب درباره عملکرد یک عضو بیانیه می‌دهد، آن مسأله جدی می‌شود و فرد ناچار به پاسخگویی است.

**نورانی‌نژاد:** بله، حداقل کارکرد انتخابات تناسبی همین است که افراد را در برابر حزب پاسخگو می‌کند. اجازه بدهید از منظر دیگری هم به این پرسش بپردازم. همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم گفتم، این طرح گامی برای افزایش مشارکت و کارآمدتر کردن نهاد انتخابات است. اما پیش از آن، مقدماتی لازم دارد. یکی از چالش‌های سال‌های گذشته این بوده که نهادهای نظارتی یا اجرایی، مانع مشارکت برخی جریان‌ها می‌شدند. یکی از دلایل دفاع از نظام تناسبی این است که اقشار مختلف جامعه بتوانند نمایندگی سیاسی پیدا کنند. این امر زمانی محقق می‌شود که امکان تأیید صلاحیت برای جریان‌های گوناگون فراهم باشد. اگر بخش‌هایی از جامعه احساس کنند در میان نامزدها نماینده‌ای ندارند، چه انتخابات اکثریتی باشد چه تناسبی، دچار بی‌اعتمادی خواهند شد.

**آیا این سازوکار انتخاباتی می‌تواند باعث حضور گروه‌های حاشیه‌ای در نهادهای تصمیم‌گیر شود و نقش آنان را افزایش دهد؟**

**نورانی‌نژاد:** هدف دموکراسی این است که جامعه احساس کند کسی هست که حرفش را در حاکمیت بازتاب دهد. یکی از راه‌ها، تناسبی کردن انتخابات است؛ اما پیش‌شرط آن فراهم کردن بستر مشارکت سیاسی است. احزاب باید بتوانند آزادانه فعالیت و موضع‌گیری کنند، بدون اینکه بابت مواضع سیاسی خود تحت فشار قرار گیرند. باید امکانات لازم در اختیارشان باشد. از سوی دیگر، باید در تأیید صلاحیت‌ها گشاده‌دست‌تر عمل شود تا نهاد انتخابات تضعیف نشود. ما در سال‌های اخیر شاهد کاهش مشارکت بوده‌ایم. نهاد انتخابات پیش از نهادهای انتخابی تضعیف شد. مشارکت پایین، مجلس و شوراها را ضعیف‌تر کرد. در حالی که در گذشته انتخابات‌های پرشوری داشتیم، امروز میزان حضور مردم کاهش یافته است. در انتخابات اخیر، مشارکت در دور اول حدود ۴۰ درصد بود و از مرز ۵۰ درصد عبور نکرد. تا زمان برگزاری انتخابات، باید حداقلی از رضایت عمومی، بویژه در حوزه معیشت، ایجاد شود. بدون رضایت مردم، نه نهاد انتخابات و نه نهادهای انتخابی نمی‌توانند مشارکت را جلب کنند. همچنین باید مسائل سیاست خارجی و اقتصادی کشور حل شود. همه این موارد در مشارکت مردم اثرگذار است.

**مشارکت نسل جوان در دوره‌های اخیر پایین بوده است. اگر انتخابات تناسبی اجرا شود، چه تغییری در رفتار سیاسی نسل جوان ایجاد خواهد کرد؟ آیا باعث حضور فعال‌تر آنان در احزاب و نهادهای مدنی می‌شود؟**

**خجسته‌پور:** یکی از دغدغه‌های نسل جوان این است که صدایشان شنیده شود. انتخابات تناسبی می‌تواند محملی برای شنیده شدن صداهای متنوع جامعه باشد، چرا که در این نظام، سلیقه‌های مختلف در نهاد منتخب ـ اعم از مجلس یا شوراها ـ نمایندگی می‌شوند. اما نباید فراموش کرد که دغدغه‌های جوانان تنها سیاسی نیست؛ اشتغال، مسکن و معیشت نیز از مسائل مهم آنان است. باید مجموعه ارکان نظام برای رفع این دغدغه‌ها تلاش کنند. نباید انتظار داشت صرفاً با اجرای انتخابات تناسبی، مشارکت به‌طور چشمگیر افزایش یابد. این یکی از چند عامل اثرگذار است، نه همه آن. البته نخبگان و خبرگان سیاسی وقتی ببینند صدایشان در این نظام شنیده می‌شود، انگیزه بیشتری برای مشارکت پیدا می‌کنند. اما برای نسل جوان، مسائل معیشتی و اجتماعی نیز تعیین‌کننده است.

**آیا در انتخابات تناسبی، نسل جدید فرصت بیشتری برای ورود به مجلس و شوراها پیدا می‌کند یا همچنان قدرت بین احزاب قدیمی تقسیم می‌شود؟**

برش

**نورانی‌نژاد:** برای جوان‌گرایی و پوست‌اندازی سیاسی به ابزارهای متعددی نیاز داریم. انتخابات تناسبی می‌تواند تا حدی به این فرآیند کمک کند، اما به تنهایی کافی نیست. در احزاب و تشکل‌های ما، سازوکار جانشین‌پروری ضعیف است. با این حال، سازوکار تناسبی می‌تواند موجب برگزاری نوعی «انتخابات مقدماتی درون‌حزبی» شود؛ یعنی نیروهای جدید درون حزب با یکدیگر رقابت کنند و این امر، فرصت بروز و رشد نیروهای جوان را فراهم می‌سازد.

**خجسته‌پور:** البته باید به علاقه‌مندی جوانان به فعالیت سیاسی هم توجه کرد. ممکن است برخی تمایلی به فعالیت حزبی نداشته باشند. اما آن جوانی که علاقه دارد، وقتی ببیند مسیر مشخصی وجود دارد و می‌تواند گام‌به‌گام در حزب رشد کند تا به فهرست انتخاباتی برسد، انگیزه پیدا می‌کند. متأسفانه امروز چنین مسیر شفاف و عادلانه‌ای وجود ندارد و فرهنگ حامی‌پروری در احزاب جای آن را گرفته است. اما در نظام تناسبی، زمینه برای جانشین‌پروری و کادرسازی بیشتر فراهم می‌شود.